

# نشریه فرهنگی مذهبی مشکات

کانون مهدی یاوران

شماره اول - دانشگاه بیرجند - زمستان ۱۳۹۹



پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه  
و آله و سلم:

«افضل اعمال امتی انتظار الفرج»

افضل اعمال امت من انتظار فرج و ظهور امام زمان علیه السلام است

(الشهاب فی الحکم والآداب ، ص ۱۶)





وَيَا وَحَا فَنَا  
وَقَاتَا وَنَا  
وَدَلَا وَعَنَا  
حَسْبُ تَكْتَا  
لَا يَكْتَلُوا  
وَتَقْتَا فِيهَا كَلِيلَا

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ  
الْحِجَّةُ بِرِ الْخَيْرِ  
كَلِمَاتِكَ عَلَيْهِ  
وَعَلَى آبَائِهِ  
فِي لَمَنَةِ الشَّكَاةِ  
وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْجَنَّةُ بِنِ الْحَسَنِ

## ولادت حضرت مادر

در صفحه پانزده بخوانید

# فهرست مطالب

سخن سردبیر / صفحه ۴
معرفتی - مهدوی / صفحه ۵
آسیب شناسی مباحث مهدوی / صفحه ۶
مدعیان دروغین / صفحه ۸
تاثیر مهدویت بر روح و روان / صفحه ۸
فرزند صالح گلی از گل های بهشت / صفحه ۱۲
حریم عشق / صفحه ۱۵
مادرانه / صفحه ۱۹
یادداشت های آسمانی (یادداشت های شهید عباس دانشگر) / صفحه ۲۱

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نشریه فرهنگی مذهبی مشکات  
(کانون مهدی یاوران دانشگاه بیرجند)

## صاحب امتیاز:

کانون مهدی یاوران دانشگاه بیرجند

## مدیر مسئول:

فاطمه محمدزاده

## هیئت تحریریه:

محمد رضا محمدپور

مهدیه ارجونی

سینا شعاعی

فاطمه محمدزاده

نرگس زراعتکار

مریم براتی

## صفحه آرایه:

پوریا حسین آبادی

## طراح جلد:

پوریا حسین آبادی



فکر و اندیشه  
معاونت فرهنگی و اجتماعی  
دانشگاه بیرجند







# سخن سردیر

سخن سردیر نشریه

با افتخار پیرو تاکیدات ویژه معاونت فرهنگی و اجتماعی مبنی بر کسب علم و معرفت و توسعه آن به همت اعضای هیئت تحریریه‌ی کانون مهدی یاوران اولین شماره از نشریه تقدیم حضور می‌گردد عزیزان در عصری زندگی می‌کنیم که زندگی توأم با مهدی و مهدویت موجب سعادت ما در دنیا و آخرت و در مقابل زندگی و ممات ما بدون عنایت و معرفت حضرت موجب حقارت ما در دو جهان خواهد بود پس برای ظهور حضرت از هیچ اقدامی مضایقه نکنیم، یا علی مدد





# ده نکته معرفتی - مهدوی

جامعه ای که متوجه قطب برین انسانی شود؛ روزمردگی های اجتماعی را در افق خود نمی گیرد و در تحرک به سوی حیاتی بلند از پای نمی نشیند. کسی که به انقلاب جهانی نمی اندیشد، دنبال رنگ و لعاب دادن به وضع موجود است. لذا قرآن را در خدمت به لیبرال دمکراسی قرار می دهد، می خواهد از قرآن فرهنگ غرب را استخراج کند و همین باعث میشود انقلابیونی که انقلاب اسلامی را رقم زدند، در حالی که به انقلاب جهانی امام زمان فکر نمی کنند خودشان آفت زده شوند. عامل رفع حجاب میان منتظر و منتظر در یک کلام اضطرار منتظران است. غفلت از فرهنگ انتظار و غفلت از آماده شدن برای انقلاب جهانی باعث می شود که نه قرآن و نماز به درد بخورند و نه امام زمان (عج) بیایند. پناه بردن به این اندیشه طوری نیست که وضع موجود باقی باشد، پناه بردن به باطل است، حال اگر نماز و قرآن ما برای نفی وضع موجود نباشد، نماز و قرآن ما باطل است. می دانیم جهان از حجت خالی نمی ماند و انسان کامل همیشه در عالم هست، بیش از یکی هم نیست، او مغز عالم است، همچنان که مغز میوه اصل میوه است، انسان کامل هم مغز میوهی عالم هستی است. مرگ بدون توجه و شناخت امام زمان (عج)؛ مرگی است با روح و روان شبیه به دوران جاهلیت اعراب قبل از پیامبر (ص). هرکس به میزانی که به امام زمان (عج) خود نزدیک است، از انسانیت بهره برده است. رویت امام زمان در عصر غیبت؛ با دیدهی باطن امکان پذیر است، این راه و روش عرفا است. منتظر امام زمان بودن، نمی گذارد از پویایی بیفتیم، در درون خود بیوسیم، تسلیم مرگ شویم، زندگی سرد و غروب گونه دنیا را بپذیریم و در جهنم یاس بمیریم. در حالی که جا دارد زنده، پر حرارت و امیدوار زندگی کنیم. از انتظار باز نایستیم و انتهای دنیا را تاریک نپنداریم. منابع: طاهرزاده، اصغر، ۱۳۸۹، مبانی معرفتی مهدویت، چهارم، قم، لب المیزان.

# آسیب شناسی مباحث مهدوی

مقدمه:

برای هر فرهنگ و مجموعه معرفتی، ممکن است آفت هایی روی دهد که مانع رشد و بالندگی آن فرهنگ باشد. فرهنگ دینی نیز گاهی به آفت هایی گرفتار می شود که حرکت رو به کمال آن را کند می کند. بحث آسیب شناسی دینی عهده دار شناختن آن آفت ها و شیوه مقابله با آن هاست.

آسیب های فرهنگ مهدویت، مواردی است که غفلت از آن ها موجب سستی اعتقاد مردم و به ویژه جوانان نسبت به اصل وجود امام مهدی (عج) یا ابعاد مختلف شناخت آن بزرگوار می شود و گاهی نیز سبب گرایش به افراد یا مجموعه های منحرف می گردد. برداشت های غلط:

از آسیب های مهم در فرهنگ مهدویت، تفسیر ها و برداشت های نادرست از موضوعات این فرهنگ اسلامی است.

۱. برداشت های غلط از مفهوم انتظار سبب شده است که بعضی گمان کنند که چون اصلاح جهان از فساد ها به دست امام عصر (عج) خواهد بود، پس ما در برابر تباهی ها و ناهنجاری ها هیچ وظیفه ای نداریم، و بلکه ممکن است گفته شود که برای نزدیک شدن ظهور امام مهدی (ع) باید برای ترویج بدی ها و زشتی ها در جامعه اقدام کنیم. این اندیشه ی نادرست در مقابل دیدگاه قرآن و اهل بیت (ع) است که امر به معروف و نهی از منکر را از وظایف حتمی هر مسلمان می داند.

بنیان گذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) در نقد این دیدگاه فرموده است: «ما اگر دستان می رسید و قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم ها و جورها را از عالم برداریم، تکلیف شرعی ماست؛ منتهی ما نمیتوانیم. اینکه هست، این است که حضرت امام مهدی (عج) عالم را پر می کند از عدالت؛ نه شما دست بردارید از این تکلیفتان، نه اینکه شما دیگر تکلیف ندارید. آن رهبر فقید همچنین در ادامه بیانات خود فرموده است: «آیا ما برخلاف آیات شریفه قرآن دست از نهی از منکر برداریم؟ دست از امر به معروف برداریم، و توسعه بدهیم گناهان را برای این که حضرت بیایند؟»

۲. بعضی از افراد از ظاهر برخی از روایات، این گونه برداشت کرده اند که هر قیامی قبل از قیام امام مهدی (عج) محکوم و مردود است؛ بنابراین در برابر قیام و انقلاب شکوهمند اسلامی ایران که قیامی بر ضد طاغوت و استکبار و در جهت برقراری احکام الهی بوده است، موضع نادرستی گرفته اند.

در پاسخ باید گفت که اجرای بسیاری از احکام اسلامی مانند اقامه حدود و قصاص نیز جهاد با دشمنان و مبارزه فراگیر با فساد جز با تشکیل حکومت اسلامی ممکن نیست؛ بنابراین تلاش برای برقراری نظام اسلامی، کاری پسندیده و مورد قبول است و نهی از قیام در بعضی از روایات



به معنای شرکت در قیام های باطل است که انگیزه الهی ندارد.

۳. یکی دیگر از برداشت های غلط در فرهنگ مهدویت، نشان دادن چهره خشونت آمیز از امام مهدی(عج) است.

برخلاف تصور بعضی افراد که می اندیشند امام مهدی(عج) با شمشیر عدالت، دریایی از خون به راه می اندازد و بسیاری را از دم تیغ عبور می دهد، امام عصر(عج) مظهر رأفت و رحمت پروردگار است؛ بنابراین امام زمان(عج) تنها با مخالفان سرسخت که آگاهانه از پذیرفتن حق سرباز می زنند و جز زبان شمشیر نمی فهمند با سلاح برخورد می کند. استعجال ظهور:

یکی دیگر از آسیب های جدی در فرهنگ مهدویت، استعجال ظهور است. استعجال به معنای عجله کردن، خواستن چیزی قبل از رسیدن وقت آن و تحقق زمینه های لازم برای آن است. عبدالرحمن بن کثیر گوید:

خدمت امام صادق (ع) ننشسته بودم که مهزم داخل شد و عرض کرد: قربانت گردم! به من خبر دهید این امری که در انتظارش هستیم، کی واقع می شود؟

امام فرمود: «ای مهزم! دروغ گفتند وقت گذاران، و هلاک شدند شتاب کنندگان، و نجات یافتند تسلیم شدگان» (کافی، جلد ۱، باب کراهیه التوقیت، ح ۲، ص ۳۶۸).

نهی از عجله و شتاب زدگی در امر ظهور به آن سبب است که به دنبال عجله، روحیه یأس و نومیدی در انسان منتظر، پیدا می شود، آرامش و صبوری را از دست می دهد، و حالت تسلیم او به حالت گله مندی و شکایت تبدیل می شود و تأخیر ظهور بی قرار می گردد. او این بیماری را به دیگران نیز سرایت میدهد و گاهی به سبب استعجال ظهور به حالت انکار وجود امام، گرفتار می شود.

تعیین زمان ظهور:

از آسیب های فرهنگ مهدویت آن است که بعضی به دنبال تعیین زمان برای ظهور هستند؛ در حالی که زمان ظهور بر مردم مخفی است.

در روایات پیشوایان دینی از تعیین وقت برای ظهور به شدت نهی شده است و وقت گذاران، دروغ گو شمرده شده اند.

تطبیق علائم ظهور بر مصادیق خاص:

در روایات فراوان نشانه هایی برای ظهور امام مهدی(عج) بیان شده است؛ اما کیفیت دقیق و خصوصیات آن ها روشن نیست و این بستری برای تحلیل ها و تفسیر های شخصی و احتمالی شده است. هر از چند گاهی، بعضی در پی تطبیق علائم ظهور بر پدیده های موجود بر می آیند و بدین وسیله از نزدیکی ظهور خبر می دهند.

این جریان نیز از آسیب های فرهنگ مهدویت است که گاهی به یأس و ناامیدی از ظهور می انجامد.

# مدعیان دروغین:

یکی دیگر از آسیب های معارف مهدویت، ظهور مدعیان دروغین در این جریان مقدس است. در طول سالیان غیبت امام مهدی (عج) افرادی به دروغ ادعا کرده اند که با آن حضرت ارتباط خاص دارند، یا از سوی آن بزرگوار، به مقام نیابت خاص رسیده اند. هر شیعه آگاهی وظیفه دارد، مدعیان ارتباط و نیابت خاص را تکذیب کند و راه نفوذ و سودجویی این فرصت طلبان و دنیا خواهان را ببندد. بعضی از این دروغ گویان پا را فراتر نهاده و پس از ادعای نیابت، مدعی مهدویت شده اند و در پی این ادعای باطل مکتب و فرقه ای انحرافی را بنیان نهاده اند. بنابراین شیعیان منتظر باید با آگاهی کافی از معارف ناب مهدویت، خود را از دام نیرنگ بازان حفظ کنند و با پیروی از علمای متعهد شیعه، در مسیر روشن مکتب گام بردارند.

منابع: بالادستیان، محمد امین، ۱۳۹۷، نگین آفرینش، هشتاد و سوم، قم، بیناد فرهنگی حضرت مهدی موعود

# تأثیر مهدویت بر روح و روان:

مقدمه:

افراد و جوامع انسانی بدون حفظ سلامت و رعایت بهداشت نمی‌توانند به زندگی فردی و نوعی خود ادامه دهند و نسل خود را حفظ کنند. بیماری و ناتوانی، زندگی فرد و روابط انسانی را مختل نموده و در نتیجه، احساس امنیت و همبستگی را از انسان سلب می‌کند. موضوع سلامت، از بدو پیدایش بشر و در قرون متمادی مهم و مطرح بوده است؛ اما هرگاه از آن سخنی به میان آمده عموماً بعد جسمانی آن مدنظر قرار گرفته و کمتر به بُعد روانی و معنوی آن توجه شده است. بر اساس برآوردهای سازمان بهداشت جهانی، میزان شیوع اختلالات روانی در کشورهای صنعتی و در حال توسعه رو به افزایش است و کیفیت زندگی و بهزیستی افراد کاهش یافته است.

امروزه توجه و گرایش به معنویت و مذهب و ارتباط دائمی انسان با خالق هستی و اعتقاد به وجود دائمی او در لحظه‌های حساس، تأثیری بسزایی در ایجاد بهداشت روانی سالم و درمان بیماری‌های جسمی و روانی دارد (سیاسی، ۱۳۷۲).



محققان به این نتیجه دست یافته‌اند که بین روش مقابله مذهبی و سلامت روانی، ارتباط و همبستگی مثبتی وجود دارد؛ یعنی به هر میزان فرد در مسائل و مشکلات زندگی از مذهب بهره گیرد، از سلامت روانی بالایی برخوردار خواهد بود (شاملو، ۱۳۷۰).

معنویت و باورهای فردی در مقابله با مشکلات زندگی به انسان کمک کرده و به زندگی او مفهوم می‌بخشد و به عنوان یک بخش پذیرفته شده در فرهنگ معاصر جوامع مطرح بوده و امروزه به صورت گسترده‌ای وارد عرصه مراقبت‌های بهداشتی شده است (میووی، ۲۰۰۴). یکی از شرایط لازم برای دستیابی به سلامت روان و بهزیستی، برخورداری از یک نظام ارزشی منسجم است و تحقیقات انجام شده نیز عامل پیدایش بسیاری از ناسازگاریها و نابهنجاریهای روانی را تضادهای ارزشی و عدم استقرار، یک نظام ارزشی سازمان یافته در فرد می‌دانند. یونگ در مصاحبه‌ای علمی می‌گوید:

نقطه ضعفی که در انسان‌ها موجود است و تکیه‌گاهش را از آن‌ها گرفته، نداشتن پشتوانه معنوی است. (اباذری ۱۳۸۰ - الف) بیان مسئله:

از جمله عالی‌ترین مکتب‌هایی که می‌تواند جامعه اسلامی را به سوی تعالی و تکامل برده و به تمام تلاش‌های آن ارزش و اصالت بخشد، مکتب مقدس «انتظار» است. انتظار، مفهومی پراصالت، سازنده و تحرک‌بخش در جهت ارزش دادن به رفتار یک انسان پیرو و ارج نهادن به حرکت‌های جامعه تشیع، در راه رسیدن به حکومت عدالت و ایمان اسلامی است. به همین منظور در سنت پیامبر و امامان انتظار، نوعی عمل و گونه‌ای پرستش و عبادت خدای جهان تلقی شده است؛ زیرا از جمله ویژگی‌های ممتاز انسان گراینده به اسلام این است که به آنچه اذعان و ایمان دارد و آن را در قلب پذیرفته است و به عبارت دیگر، به آن گرایش ذهنی دارد، عینیت دهد و در خارج از ذهن خود رنگ عمل داده و تجلی بخشد (حکیمی، ۱۳۸۰).

ماهیت انسان با انتظار و امید به آینده عجین شده است، به گونه‌ای که زندگی بدون انتظار مفهومی ندارد و شور و نشاط لازم برای تداوم آن در کار نیست. انتظار آثاری دارد و نخستین اثر آن این است که انسان را به حرکت در جهت متناسب با انتظار برمی‌انگیزد و از هر حرکت و گرایش به جهت‌های نامتناسب یا ناسازگار و متضاد بازمی‌دارد (همو). انتظار در اعتقاد تشیع دارای محتوایی اصلاح‌گر، تحرک‌آفرین و تعهدآور است که عالی‌ترین و ارجمندترین نوع عمل بندگی حق تعالی و در نتیجه برترین عمل و نیکوترین تلاش و جنبش است (خلجی، ۱۳۶۲).

انتظار در حالت، رفتار و عمل تأثیر می‌گذارد و منتظر، آدابی را ناخواسته و حتی بی‌توجه دنبال نمی‌کند. توجه، عهد، انس، توسل و آماده‌باش از منتظر جدا نخواهد شد و در نهایت به افزایش کیفیت زندگی منجر می‌شود. دیسارت و دگر استدلالت می‌کنند که کیفیت زندگی یک فرد، به حقایق بیرونی و عینی زندگی او و ادراک درونی و ذهنی‌ای که او از این عوامل و

نیز از خویشتن دارد وابسته است ( دیسارت، ۲۰۰۰). کیفیت زندگی بهترین معیار و ملاک اندازه‌گیری توان فرد برای سازگاری موفقیت‌آمیز با چالش‌های موجود، در دنیای واقعی است و برای سنجش آن محیط کار، خانه و اوقات فراغت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در بخش نظری و در پاسخ به چرایی نقش انتظار در بهبود وضعیت روانی و زندگی افراد، می‌توان به رجای معقول (خوش‌بینی به آینده بشر) و خوف معقول (امید واهی نداشتن به تلاش‌های خود) اشاره کرد.

به اعتقاد برخی پژوهشگران، مذهب با تأثیر بر سبک زندگی و چگونگی حل تعارض‌های ارزشی به دو سؤال اساسی انسان درباره هدف زندگی، معنای فعالیت‌ها و استعدادها و او پاسخ می‌دهد (برامر، ۱۹۹۳).

با توجه به افزایش روبه افزون مشکلات روحی و روانی و کیفیت پایین زندگی که از اثرات آن می‌توان به آمار بالای خودکشی و افسردگی در چند سال اخیر اشاره کرد، و با توجه به این‌که بر نقش مذهب به طور اعم و انتظار مهدی به طور اخص در افزایش سلامت روان و کیفیت زندگی اشاره شده، ولی پژوهش‌های زیادی در این‌باره انجام نگرفته است ( به‌ویژه در کشور اسلامی و شیعه ایران)

واز آن‌جا که قشر جوان و دانشجو بیشتر از سایر اقشار در برابر مشکلات زندگی و تهاجمات فرهنگی آسیب‌پذیر هستند و زمان شکل‌دهی هویت شخصی، ملی و مذهبی افراد است، هدف از این مطالعه، بررسی رابطه انتظار مهدی بر سلامت ذهن و کیفیت زندگی دانشجویان است.

ایمان، نیروی معنوی به انسانی می‌بخشد که با وجود او، فرد پیوسته خود را خوشبخت و کامروا می‌بیند و هرگز با تراکم ناملایمات و فشار روزگار، امید نجات و رستگاری را از دست نداده و روحیه اسلامی خود را نخواهد باخت (تهرانی، ۱۳۸۴) که مطابق با نتایج این پژوهش، بین انتظار مهدی و اراده زندگی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

اراده زندگی به معنای ذهنیت فرد به مؤثر بودن و کنترل داشتن بر امور زندگی و نپذیرفتن باطل و نادرست است. انتظار، عاملی است که انسان را در حرکت یاری می‌دهد؛ به این معنا که امید را در انسان برمی‌انگیزد و امید، توانایی، مقاومت و حرکت را به وی می‌بخشد.

آری، انتظار و امید به وراثت زمین به وسیله صالحان و امامت مستضعفان مؤمن و این‌که عاقبت از آن پرهیزکاران است، به صالحان و تقوای پیشگان، ثبات و قدرت بیشتری می‌دهد و آنان را در میدان نبرد، ثابت‌قدم خواهد داشت و امید را در روحیه دلاوران عرصه‌های نبرد برمی‌انگیزاند، چنان‌که در رویارویی با فرعون و هامان، موسی بن عمران قوم خود را، با وعده



الهی و انتظار فرج و کمک از سوی خدا نیرو بخشید (آصفی، ۱۳۸۳). از دیدگاه اهل بیت عصمت و طهارت انتظار فرج یا چشم به راه گشایش بودن، به خودی خود در عصر غیبت برای منتظران مایه گشایش، نجات و رستگاری است (شفیعی سروسستانی، ۱۳۸۳). به همین سبب است که ارزیابی ذهنی افرادی که انتظار واقعی از مهدویت بر زندگی آنها سایه افکنده، از رضایت و کیفیت زندگی مثبت است. همان طور که نتایج تحقیق حاضر نشان داده است، انتظار مهدی با کیفیت زندگی رابطه مثبت و معناداری دارد و همسو با نتایج تحقیق صدر محمدی و معصومی (۱۳۸۹) است که، بیانگر تأثیر انتظار مهدی بر رضایت از زندگی دانشجویان است.

در پایان پیشنهاد می شود با گذاشتن کارگاه های آموزشی برای افراد و به خصوص نسل جوان به صورت آموزش و تشویق آنان، در گرایش به مذهب و یاد خدا، زمینه افزایش و رشد در به کارگیری از دین در زندگی و موقعیت های مختلف افزایش یابد؛ زیرا هرچه معنویت و باور به مهدویت در بین دانشجویان بیشتر تقویت شود و افزایش یابد، در ارتقای کیفیت زندگی شان مؤثر است و اگر از طریق رسانه های جمعی و آموزش و پرورش بتوان ارزش های مذهبی را در افراد درونی کرد و به نوعی این فرهنگ را در آنان ایجاد نمود، می توان ادعا کرد، که گامی در جهت ایجاد و افزایش بهداشت روان و سلامت ذهن جامعه برداشته شده است.

منابع:

اباذری، یوسفعلی، باورهای دینی و نگرش اجتماعی، تهران، انتشارات طرح های ملی، تشیع و انتظار؛ شیعیان و انتظار ظهور حضرت مهدی، قم، انتشارات میثم تمار، ۱۳۸۴ش

الهام فدایی

# فرزند صالح فکر از گل های بهشت

خانه یعنی: داشتن جایی برای رفتن به آن.

خانواده یعنی: داشتن کسی که به تو بی منت عشق می‌ورزد.

خانواده یعنی عشق، یعنی جریان زندگی و داشتن هر دوی آن‌ها یعنی داشتن «نعمت» و «خوشبختی».

مخاطب امروز من شما هستی! آری شما!

شمایی که در دامن پر مهر مادر بزرگ شدید، شمایی که سر سفره‌ی پدر بزرگ شدید،

شمایی که وقتی رفتید کلاس اول دست مادر یا پدرتان در دستتان بود.

شمایی که دعای مادر و پدرتان بدرقه راهتان هست.

شمایی که در کانون گرم خانواده با خواهر و برادرت، شاد و خرم بزرگ شدید، قد کشیدید،

قدرتمند شدید.

امروز که یک جوان سرزنده و بانشاط هستید، به خاطر این است که پدر و مادرتان جوانیشان

را برایتان گذاشتند.

امروز که قدرتمند و باسوادی، به خاطر زحمات آنان است.

پس بدان که چه می‌گویی و چه می‌کنی.

کاری نکنید، حرفی نزنید که دلشان آزرده شود.

امروزه این جمله را خیلی شنیدیم (رفتار من نتیجه رفتار خودتونه).

من و شما توی خانه با اعضای خانواده های خود نمی‌توانیم چنین رفتاری داشته باشیم،

صحیح نیست.

امام صادق (ع) می‌فرمایند:

«هر کس به والدین خود در حالی که به او ستم کرده‌اند خشمگینانه بنگرد، خداوند نمازش

را نمی‌پذیرد» (الکافی ج ۲ ص ۳۴۹).

پس نگو چون پدرم این حرف را می‌گوید منم این گونه جواب می‌دهم، مادرم با من بد

رفتاری کرد من هم این کار را می‌کنم.

شما خانواده‌تان را انتخاب نمی‌کنید، بلکه این یک هدیه از طرف پروردگار هست، همان طور

که شما هدیه‌ی آن‌ها هستید.

می‌دانستید وقتی بمیرید، شرکتی که داخلش کار می‌کردید ظرف یک روز یک نفر دیگر را

جانشینتان می‌کند؟ ولی خانواده‌ای که به جای می‌گذارید تا آخر عمر نبودتان را احساس

می‌کنند.



این‌ها را گفتم تا با خودتان بنشینید و یکم به رفتارتان نگاه کنید!

اگر ریاستان درخواستی کند چگونه رفتار می‌کنید و اگر پدرتان درخواست کند چگونه؟ اگر دوستتان یک جزوه به شما بدهد چقدر تشکر می‌کنید؟ در حالی که مادرتان به خاطر به دنیا آوردن و بزرگ کردن شما رنج‌ها و مشقت‌های زیادی تحمل کردند، اما اینجا زیباست که حتی توقع ندارد شما یک تشکر خالی بکنید!

این که در محل کار رفتار خوشایندی داشته باشیم و همه از ما راضی باشند مهم نیست! این که در خانه به احترام پدر و مادر بلند بشوید، دستشان را ببوسید، با خوشرویی و زبان نرم صحبت کنید مهم است.

امام باقر (ع) می‌فرمایند:

«چهار صفت است که در هر یک از مومنان باشد، خداوند او را در والاترین مرتبه بهشت، در غرفه‌هایی برتر از همه، غرفه‌های بهشتی و عالی‌ترین مرتبه شرف جا می‌دهد... کسی که به پدر و مادر خود انفاق کند، با آن دو مدارا کند، به آنان نیکی کند و آن دو را اندوهگین نسازد» (الامالی، مفید، ص ۱۶۷).

ما باید همیشه به پدر و مادر خود نیکی کنیم، حتی بعد از فوتشان.

امام باقر (ع) می‌فرمایند:

«اگر کسی به والدین خود در زمان حیات آن دو نیکو کار بود ولی پس از مرگ آنان بدهکاری شان را نمی‌پردازد و برای آنان استغفار نمی‌کند خداوند وی را عاق والدین به شمار می‌آورد» (الزهد، ص ۳۳).

این که آدم خوبی باشی کافی نیست!

خداوند توی قرآن فرموده:

خود و خانواده خویش را از آتش جهنم دور کنید.

پس باید خانواده‌مان برایمان مهم باشد.

نمی‌توانید بگویید هر کس مسیر خودش را برود. نه، همه‌ی ما در برابر هم مسئول هستیم، حتی بعد از فوتمان.

پس از عباس بیاموزید که چگونه فرمانبردار باشید.

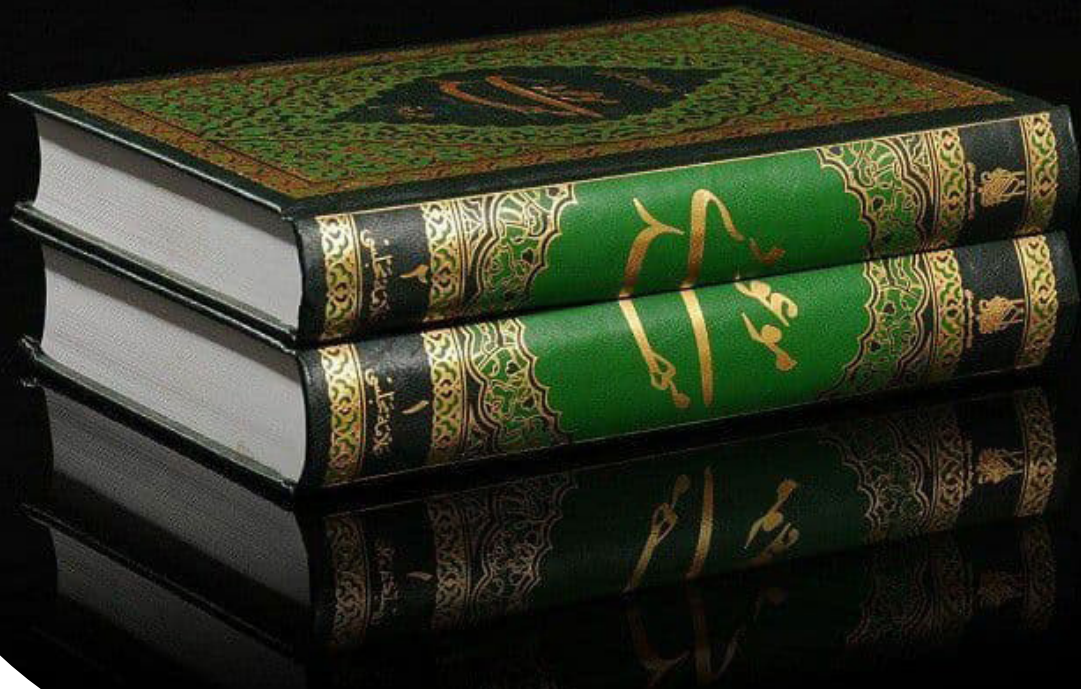
مثل زینب صبور و غم‌خوار خانواده باشید.

بدانید اگر نتوانید رضایتشان را داشته باشید، هیچ کارتان درست نیست، حتی نمازتان.

امام حسن عسکری علیه السلام:

هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناخته  
باشد، به **مرگ جاهلی** مرده است

کمال الدین ، صفحه ۴۰۹ ، حدیث ۹





# حرم عشق

گم گشته‌ام تو بودی و کردم چو دیده باز  
دیدم به آسمان و زمین و به بام و در  
تابنده نور توست  
هر جا ظهور توست  
ای مبدا وجود!

از کثرت ظهور، نهان شد که کیستی  
از هر چه ظاهر است، تویی آشکار تر ... مستور نیستی  
تو آشکاره‌ای ... من زین میان گم  
کوراگر نبیند، این گنه آفتاب نیست  
نقص از من است، ورنه رُخت را حجاب نیست.

در قلب من تبی است گدازان و دردناک  
این سوز عشق توست،  
در من، چو جان، نهان  
احساس می‌کنم خلأ ای در وجود خویش

کان را نمی‌برد زمیان، جز پرستشت  
احساس می‌کنم که بود در سرشت من  
سوزنده، یک نیاز  
داغ نیاز را نزداید زسینه‌ام  
جز لذت پرستش

در عمق فکر و پرده‌ی جانم تویی،  
تویی آرام دل، فروغ روانم تویی،  
تویی هر جا نگاه می‌دود.

کیستی؟ و چه می‌کنی؟  
شاید زمانی که این سوال را می‌شنوی خیلی سریع نامت را بر زبان جاری کنی و از شغل و حرفه ات  
بگویی.

ولی جواب، این‌ها نیست!

بلکه جواب آن چیزی است که درون تو قرار دارد و هدفی که برای آن خلق شده ای.



قبل از آنکه بگویی یک معلم هستم، ویایک دکتر، نجار، مهندس، مادر، پدر و یک فرزند هستم، کس دیگری هستی!

همه کاینات جهان خالق دارند، خالق دانا و حکیم، خالق که بیهودگی در آفرینشش جایی ندارد، خالق که خود در کتاب آسمانی اش فرموده است: جن و انس را، جز برای پرستش و بندگی خود، نیافریدیم. پس من و تو، بنده‌ی خالق توانا و قدرتمند هستیم. بنده بودن به دنبال خود بندگی می‌آورد و اما بندگی چیست؟

آری، پاسخ جمله ای کوتاه است؛ تسلیم پرودگار بودن و اطاعت از دستوراتش. برای اینکه خداوند را اطاعت کنیم، در ابتدای امر باید به شناخت و معرفت او بپردازیم. یکی از سرمایه‌هایی که خداوند به ما عطا کرده و ما را از بقیه موجودات برتری داده است، نیروی عقل است.

مابا اندیشیدن به اطرافمان و جهان هستی و پدیده‌ها، خداوند را میابیم. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«برترین عبادت، اندیشیدن مداوم درباره‌ی خدا و قدرت اوست» (اصول کافی، ج ۲، ص ۵۵).

حال که به معرفت خداوند دست یافتیم، محبت او در دل و جان ما ریشه می‌دواند. وقتی کسی را دوست داشته باشیم کارهای خلاف میلش را انجام نمی‌دهیم و همواره در تلاشیم او را از خود راضی و خشنود نگه داریم و به دستوراتش عمل می‌کنیم، چون می‌دانیم او صلاح ما را می‌خواهد.

حال آنکه خداوند از هر کس دیگر بهتر می‌داند که مصلحت ما چیست و عشقی که به بنده خویش دارد را هرگز نمی‌توانیم در عشق‌های سراب گونه‌ی زمینی خود بیابیم. چرا که او خود، عاشق و معشوق بنده‌ی خود است و برای ما بهترین راه و راهنماها را آورده است. راه و رسم بندگی را باید در کتاب قرآن و در زندگی اولیای خدا یافت.

اطاعت و بندگی را باید از پیامبر خدا ابراهیم آموخت؛ که چگونه در برابر دستور خداوند تسلیم شد و حاضر شد تنها پسر خویش را قربانی کند، و از یوسف باید آموخت که در برابر زیبا ترین زن مصر، تن به گناه و شهوت نداد و از عباس باید آموخت که چگونه از امام عصر خویش، اطاعت می‌کرد و با آنکه آب در اختیار داشت اما خود را سیراب نکرد، چون امام زمانش تشنه بود. از وظایف بندگی شناخت امام زمان (عج) و اطاعت از اوست.

می‌دانید چه زمانی نفس کشیدن و حتی خوردن و آشامیدن و خوابیدنمان عبادت است؟ زمانی که

برای خدا باشد.

نوزادی که به دنیا می‌آید گریه های بی دلیل میکند؛ این گریه نیست بلکه عبادت است، در چهار ماه اول، توحید است و چهار ماه دوم رسالت است و در چهار ماه سوم دعا برای والدینش میباشد. زمانی عبادت و بندگی برای انسان لذت بخش می‌شود، که آن را بفهمد و درک کند که در برابر این عبادت، پاداشی نهفته است که با هیچ چیز دنیوی نمی‌توان آن را بدست آورد.

نگاه کردن به زندگی پیامبران و شهدا اصل بندگی را به ما می‌آموزد.

حاج اسماعیل دولابی (ره) می‌فرماید:

«در این دنیا تا انسان عبد و تسلیم خدا نشود نجات ندارد. به حکم او تن بده و محکوم او شو تا حاکم شوی: بندگی گوهری است که کنه و حقیقت آن پروردگاری است. اهل حکمت بودن یعنی محکوم او شدن و تن به حکم او دادن.

آهن‌گرها یک گیره دارند و وقتی می‌خواهند روی یک تکه کار کنند، آن را در گیره می‌گذارند. خدا هم همین طور است...

اگر بخواهد روی کسی کار بکند، او را در گیره مشکلات می‌گذارد و بعد روی او کار می‌کند. گرفتاری ها نشانه عشق خداوند است.

این عشق را در چهره یاران اباعبداللّه می‌توان دید که چگونه از عشق خداوند و امام زمانشان مست شده بودند به گونه ای که میدان جنگ برای آنان محفل عشق بود، عشقی که بهشت رانصیبشان کرد.

پس باید عاشق شد، عاشق معبودی که آفریننده ی کل جهان است، باید عاشق شد تا طعم شیرینی حیات را چشید».





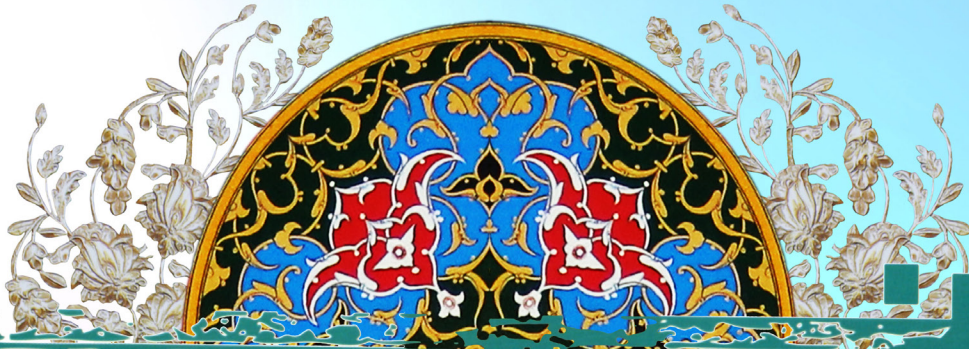
## مادرانه

هرگوشه ی قلبم ضریحیست برای تو  
 سلامی از من گنه کار به اسوهی بندگی و عبودیت؛  
 سلام ای مهربانتر ز مادر نبی،  
 ای شکوه چشمان علی،  
 ای نماد صبر و استقامت،  
 ای تازه ترین حرف خدا «اِنَّا اَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ»،  
 ای که با آمدنت جهنمی را به بهشت مبدل ساختی،  
 ای که سر چشمه ی طهارت و عطوفت و شجاعت و شهادت هستی؛  
 نام شما روح را صفا و دل را جلا می بخشد ؛  
 ای عشق کبریایی من؛  
 تعریف من در وصف شما از قطره در برابر دریا نیز کمتر است؛  
 ای حلال مشکلات بندگان ناسپاس؛  
 گاهی اوقات که به بن بست میرسم ؛  
 گوشه ای به نشانه ادب می ایستم و شما را صدا میزنم؛ نه با فاطمه و زهرا و بتول و راضیه و  
 رشیده و طاهره و طیبه و...  
 بلکه می ایستم و از صمیم قلب میگویم مادرم به حق محسنت راه گشایی کن.

ای منشأ خیر و برکت ای تلالو عصمت ؛ این جهان وجود و هستی اش را وامدار شماست، ای  
 که قدوم مبارکت سرچشمه آبادی و نعمت است ؛ خدا خوب می دانست که این پازل پیچیده  
 چه قطعه ای را کم دارد و شما را به عنوان کامل کننده پازل زندگی آفرید.

مادرم توانگیزه ی خلق دو جهان هستی، تویی که فرزندان افتخار آفریدند، تویی که عباس است  
 دستش بر زمین افتاد اما نگذاشت بیرق اسلام بر زمین بیفتد، تویی که حسینت از روز ازل  
 برای غم آفریده شد و تمامی پیامبران گریه کن بر حسین تو بودند، تویی که از نسلت امروز  
 خامنه ای ها و خمینی ها برخواسته اند و چه مقتدرانه تبلیغ سلامت رامیکنند.  
 یازهرا نامت همیشه آرام بخش قلب بی قرار من است و یادت تسکین میدهد دردهایم  
 را، دوستت میدارم، آنگونه که مادری فرزند نوزادش را و باغبانی گل هایش را، مادرم از تمام  
 ژرفای وجود دوستت میدارم..





مَدِينَةُ الْمَدِينَةِ





# یادداشت های آسمانر

(یادداشت های شهید عباس دانشگر):

همیشه شب به نتیجه می رسم، صبح که بلند می شوم انگار یک فرد دیگری هستم و دوباره «همون آش و همون کاسه». اصل دغدغه بر سر چگونه بودن هست، یک بار دوست دارم اینگونه باشم یک بار آنگونه ،

هیچ وقت سعی نکرده ام خودم را پیدا کنم ، ببینم او چگونه است...

الان ، امشب خودم را پیدا کرده ام و از خودم لذت برده ام واحساس کرده ام همه چیز را دارم ، هیچ کم ندارم ، فقط یک چیز را کم دارم ، عزت نفس و خودباوری . احترام به خود یک حالت درونی را به وجود می آورد که انسان از هیچ چیز نمی ترسد و از هیچ چیز خجالت نمی کشد حتی زمانیکه اشتباه می کند همه را مجبور می کند با او با احترام برخورد کنند، یعنی به صورت ناخودآگاه چنین اتفاقی خواهد افتاد به شدت دنبال نوعی آرامش هستم آرامشی عمیق ...

آدم از هیچ چیز نمی ترسد ، خودش را باهیچ کس مقایسه نمی کند

نه آینده نه گذشته بی قرارش نمی کند. می داند از زندگی اش چه می خواهد و هدفش مشخص است و با هیچ کسی کاری ندارد...

خدا خیلی هایش را در من گذاشته است و خیلی هایش را هم می توانم به سرعت کسب کنم . این توانایی بالای خدادادی هست ، اصلا مهم نیست شما چند تا ویژگی خوب داشته باشید مهم اینه که چقدر خودتونو باور داشته باشید... «عزت نفس یعنی من خودم رو دوست داشته باشم و بتونم خودم رو حفظ کنم.

یادداشت دوم :

دیشب دلم گرفته بود، باز از همان فکرها کردم باز نتوانستم خودم باشم آنقدر که بعد از نماز صبح با خدا درد دلی کردم او هیچ چیزی نگفت و فقط نگاهم کرد و به رویم نیارود...آخه خیلی مهربونه اما من حال خوبی نداشتم. یعنی این که اتفاق بدی برآیم بیفتد، نه. خودم خودم را شکنجه می کردم یعنی خودم را یا همه اش را مقایسه می کنم یا عزت نفس ندارم یا اعتماد به نفس . دوست ندارم این را... من آدم بزرگی ام، آدم با فکر و خوش اخلاقی ام اما همه اش به این است که

باید خودم را دوست داشته باشم... خدایا به من کمک کن تا بتوانم از خود بگذرم .

یادداشت سوم :

شکایت کردن را کنار بگذارید برای اینکه ، از کسی یا چیزی شکایت کنید باید باور داشته باشید که چیز بهتری وجود دارد و الا شکایتی نمی کردید بنابراین یک تصویر ذهنی از یک



مطلوب داریم که ترجیهش می دهیم اما برای رسیدن به آن تلاشی نمی کنیم . اگر قدرت تغییر چیزی را ندارید پس شکایت هم نکنید.

یادداشت چهارم :

اگر چه نماز برای سهولت به صورت انفرادی جایز شمرده شده است ولی اصل بر جماعت آن است وگرچه همه ی زمین سجده گاه و پاک قرار داده شده است اما فضیلت نماز جماعت و در مسجد آنچنان عظیم شمرده شده است که اعجاب برانگیز است و قطعاً خیر کثیر در آن نهفته است .

منابع : گروه تربیت جهادی حاج حسین خرازی، فرماندهی تربیت جهادی، ۱۳۹۶، از حلب به گوشم ...، اول ، تهران ، دانشگاه امام حسین (ع)

محمد رضا محمدپور





پل های ارتباطی با ما : Tel  
:@mahdiyavaran\_uni\_bir  
insta : @mahdi\_yavaran\_bir

انتقاد و پیشنهاد :  
۰۹۳۰۳۶۷۰۴۲۷





